



نبود. می دانید که یک فرمانده عملیاتی بود و در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس به عنوان فرمانده عمل کرده بود. ایشان کار نهضتی را فرهنگی می دید تا کار اطلاعاتی که این باید به جای خودش صحبت بشود.

ولی در بحث دیپلماسی هم همین طور دشمنان ایشان فکر می کردند یا مخالفان یا آنهایی که انتقاد داشتند، فکر می کردند چون سردار سلیمانی یک نظامی است برخوردهای نظامی کند و این با دیپلماسی که نیاز به انعطاف پذیری داشت در تضاد است، بنابراین تلفی شان این بود که ایشان نه تنها به دیپلماسی اعتقاد ندارد، بلکه چوب لای چرخ دیپلماسی کشور هم می گذارد. اینها کسانی بودند که حالا یا دشمن یا مخالف و یا منتقد بودند.

در مقابل دوستداران زیادی سردار سلیمانی دارند که ما دیدیم در مراسم تشییع ایشان چه حماسه‌ای به پا شد، اما بسیاری از آنها هم از دید حاج قاسم نسبت به دیپلماسی اطلاع ندارند و شاید اگر مصادیقش را بگوییم بعضی‌ها مثلاً باور نکنند که سردار سلیمانی در دیپلماسی این کارها را می کرده، بنابراین باید دیپلماسی از دیدگاه ایشان بازشکافی شود.

در علوم سیاسی مقوله‌ای داریم می‌گوییم دیپلماسی ادامه جنگ است، حالا غربی‌ها این را باب کردند که دیپلماسی ادامه جنگ است و هر کجا جنگ تمام بشود دیپلماسی شروع می‌شود، سردار سلیمانی به دیپلماسی به این دید نگاه نمی‌کرد، چون مقوله مقاومت با مقوله جنگ فرق می‌کند، مقاومت یک راهبرد دائمی است و جنبه‌های مختلف دارد، مقاومت تنها نظامی و اطلاعاتی نیست بلکه مقاومت

فرهنگی است، مقاومت اجتماعی و مقاومت اقتصادی است. در یک راهبرد دائمی سردار سلیمانی معتقد بود که دیپلماسی یک امر ضروری برای راهبرد مقاومت است و سعی می‌کرد که حتماً از این بازو بخوبی استفاده کند، در مقابل دیپلمات‌های ما معتقدند که فعالیت‌های حاج قاسم در محور مقاومت دیپلماسی را تقویت می‌کند. به این معنایی که وقتی می‌روند مذاکره می‌کنند، جمهوری اسلامی برگ‌های برنده‌ای را در دست دارد که قسمت عمده آن در بحث سیاست خارجی در کارهای نهضتی است

فعالیت نهضتی تأثیر و تأثر متقابل بر دیپلماسی دارد، سردار سلیمانی با وجود مشی متفاوت دولت‌ها هرگز در مقابل دیپلماسی گارد نمی‌گرفت و قهر و قطع رابطه نمی‌کرد، این طور نبود که بگوید من کارم نهضتی است و کاری به دیپلماسی و دیپلمات‌ها ندارم و فقط مثلاً جوابگوی رهبر معظم انقلاب هستم نه چنین چیزی نبود. ایشان در تمام مراحل سعی می‌کرد که کاملاً با دستگاه دیپلماسی در ارتباط باشد.

موقعی که ایشان فرمانده نیروی قدس شد، دولت اصلاحات روی کار بود. در آن موقع چون پرونده‌ها خیلی محدود بود چندان نقش نهضت در دیپلماسی احساس نمی‌شد، ولی هر چی ما جلوتر رفتیم بخصوص بعد از سقوط صدام یک دفعه وضعیت به شدت تغییر کرد، چون چند ماه قبل از آن طالبان سرنگون شد؛ یعنی ما در شرق و غرب کشورمان یک دفعه امریکایی‌ها آمدند همسایه ما شدند، این بزرگترین خطر امنیت ملی بود و هست، امریکایی‌ها وقتی می‌آیند یعنی اسرائیلی هم آمده حالا بگذریم که

در یک راهبرد دائمی
سردار سلیمانی
معتقد بود که
دیپلماسی یک امر
ضروری برای راهبرد
مقاومت است و
سعی می‌کرد که
حتماً از این بازو
به خوبی استفاده
کند، در مقابل
دیپلمات‌های
ما معتقدند که
فعالیت‌های حاج
قاسم در محور
مقاومت دیپلماسی
را تقویت می‌کند